

مقاله علمی و پژوهشی  
 عنوان: بررسی تطبیقی سیر تاریخی و فلسفی اندیشه‌های علامه محمد باقر مجلسی در خصوص سیر تاریخی و فلسفی  
 آراء علامه محمد باقر مجلسی در خصوص سیر تاریخی و فلسفی  
 زمانی سیر تاریخی و فلسفی را به عنوان یکی از شاخه‌های مهم و اساسی در فلسفه اسلامی دانسته و بر آن تأکید کرده است. ایشان معتقدند که سیر تاریخی و فلسفی در فلسفه اسلامی دارای اهمیت ویژه‌ای است و باید در کنار سیر فلسفی و کلامی مورد توجه قرار گیرد. ایشان معتقدند که سیر تاریخی و فلسفی در فلسفه اسلامی دارای اهمیت ویژه‌ای است و باید در کنار سیر فلسفی و کلامی مورد توجه قرار گیرد.

# نامه امام علی (ع)

سایر یاران حضرت، همچون عمار یاسر و ابن تیهان و نوالشهادتین نیز در جنگ با معاویه به شهادت رسیدند و خود حضرت نیز بدست کوردلان در محراب عبادت «زور» گردید. ولایت ترور مالک اشتر و رهبرش علی (ع) و شهادت عمار و نوالشهادتین راه آنان هرگز ترور نشد و اکنون پس از ۱۴ قرن فرمان مولا به مالک اشتر در پیش روی ماست، و فرزند امام علی و شخصی که در امتداد این خط خونین قرار گرفته و پرچم اسلام محمدی را و تشیع علوی را بدوش میکشید، در مقام رهبری این علویون قرار گرفته است و سفیران و نمایندگان همان جهادگران و پاسداران و رزمندگان در گوشه و کنار این مملکت، همانند مالک اشتر و عمار یاسر، به تلاش و پیکار و جهاد مشغولند، و عمار گونه در جبهه‌ها به شهادت میرسند و یا همانند مالک اشتر در راه شهرها روستاهای دور و نزدیک ترور میگردند، زیرا شیاطین زمان و در رأس آنها شیطان بزرگ امریکا،

میبییند که با اینهمه مشکلات و درگیریها، فرست عملکرد آن در جهت منافع مستضعفین و اجرای عدالت اسلامی و... به حداقل ممکن میرسد ولی امام علی (ع) با تمامی این بحرانها و مشکلات لحظه‌ای مسئله اصلی که همان اجرای «قسط» بود را فراموش نکرده و در جهت حاکمیت «الله» دست امیرانی تلاش بر نمیداشت و بهمین منظور، استانداران و ایرانی‌ها مناطق تحت حکومت خویش فرستاده و با دستور العمل‌هایی که به آنان میداد، راه و رسم حکومت «علوی» را نمایانگر میشد، و هرگاه این استانداران مرتکب خطائی میشدند آنانرا توبیخ و یا مغرول مینمود (که در قسمت نامه‌های نهج البلاغه به این موارد زیاد برخورد مینمائیم). طولانی‌ترین و مشروح‌ترین دستور العمل حکومتی که حضرت علی (ع) صادر فرموده‌اند، دستور العملی است که به یار وفادار و مسلمان نمونه «مالک اشتر» داده، و او رامأمور اجرای این دستور العمل در مصر نموده‌اند، اما مالک اشتر هرگز موفق به اجرای این دستور العمل نگردید، زیرا در راه مصر، بدست عوامل پیدا و پنهان شیطان زمان «معاویه»، بطور «ناچرانوردانه» ترور شد. و این رسم نا پاکی است که تمامی شیاطین در رابطه با مصلحین بزرگ انجام میدهند،

# پرتوی از اسلام (۱)

مقدمه: جهانی که در آن بسر می‌بریم مجموعه ایست داننامتحول و در تمام عرصه‌های طبیعت تاریخ، جامعه، حیات و انسان با ارتباطاتی که با یکدیگر دارند، قانونمند بوده و مسیری را طی می‌کنند.

انسان از دیر باز برای درک رموز و معماهای هستی در تمامی زمینه‌هایی که فکرش را مشغول مینموده است در صدد و جستجوگری بوده و در هر مرحله‌ای از سیر متحول تاریخ بمیزان شناختی که در اختیار داشته و درک میکرده و قابلیت و توانایی اش را داشته جوابهائی را برای گشودن رموز هستی در ذهنش میپورانده است. و در این میان دانش بسیار عظیمی که پیامبران در اختیارش می‌گذاشته‌اند نقش بس مهمی در رشد فکری انسان داشته است. که در مجموع مذاهب و مکاتب‌ها و سیستم‌های مختلف تفکر فلسفه و علم را ایجاد نموده است.

نسل کنونی انسان از این نظر از ویژگی خاصی برخوردار است بطوریکه پس از سیر طولانی و پر تشیب و فراز حیات انسان و بدنبال آن مجموعه دانش‌ها و معارف موجود و نیز نبرد پرتلاطم اندیشه‌ها

و در کنار آن دلهره و اضطراب ناشی از شرایط ویژه کنونی در جوامع و روابط آنها با یکدیگر و آینده‌ای که فرهنگ‌ها و مکاتب مختلف در ذهن انسان کنونی ترسیم نموده است، ذهن انسان جستجوگر این نسل را در تشنگی مفرطی قرار داده است.

در سیر تاریخ اسلام و بخصوص در دوران معاصر نیز ما با برداشتهای کم و بیش متفاوتی از اسلام در افغان مواجهیم که گاه بصورت سیستم‌های خاصی از برداشتها جلوه‌گری کرده، که بالنسبه در تاثیر از شرایط و فرهنگ‌ها و اندیشه‌ها نیز، هر یک بگونه‌ای افغان و اعمال را شکل میدهد. سالهای معاصر در تاریخ اسلام و مخصوصا در سیر مبارزات اسلامی در ایران ما این تفاوت‌ها را در برداشتها و اندیشه‌ها به وضوح میدیدیم و می‌بینیم. روح جستجوگر و حقیقت طلب انسان نمی‌تواند در سطح این تفاوت‌ها باقی بماند و همواره تشنه حقیقت و انسجام است بخصوص انسان مسلمانی که میخواهد بخاطر اجرای مسئولیت‌هایش کلیه حرکات و مبارزاتش مبتنی بر مکتب و هماهنگ با آن باشد. مطمئنا کوشش در دریافت‌های عمیق و صحیح از

قرآن و سخنان و سیره معصومین (ع) مارا در شناخت صحیح از اسلام کمک شایانی خواهد نمود. برای اینکه مطلب مشخص تر شود ذکر چند مورد کافیت تا مارا به حساسیت موضوع واقف گرداند.

در زمینه جهان بینی، توحید می‌بایستی دقیقا تبیین گردد و نقش آن در حرکت انسان، تاریخ، جامعه، طبیعت و حیات مشخص شود. و با روشن شدن رابطه دقیق بین هدایت و حرکت و تکامل در همه عرصه‌های بالا و سیر و سرانجام این حرکتها و قانونمندیهای آن، اساسی‌ترین پایه‌های جهان بینی الهی و توحیدی استوار گردد.

چرا که بدون چنین شناخت پایه‌ای و ریشه‌ای قادر به درک دیگر ابعاد و حل مشکلات فکری خود نیستیم.

در حرکت تاریخی انسان مابا این سوال بزرگ مواجهیم که موتور محرکه در حرکت تاریخ چیست؟ و ویژگی‌ها و ملزومات این حرکت کدام است؟ که اساسی‌ترین سوال در تبیین تاریخ بوده و با درکی صحیح از جهان بینی توحیدی و حرکت می‌بایستی به بیان و تشریح آن بپردازیم و با تکیه بران تاریخی ببیندیشیم. و

قانونمندیهای مربوطه را در عرصه اجتماعی درک کرده و خود نیز بکار بندیم و در پرتوی آن دلهره‌ها و اضطرابها و بیهوده‌گام برداشتن‌ها و این طرف و آن طرف رفتن‌ها را از بین برده و آنها را تبدیل به امید و تلاش جهت دار و هدف دار و هماهنگ و رشد یابنده نموده و با کسب درکی الهی و تاریخی از تحولات اجتماعی و حرکت انسان و حیات، حرکت و مبارزه خود را مفهوم و سامان بخشیم. این مجموعه که به ترتیب در سلسله بحث‌هایی بدنبال خود آمد گامی است کوچک در این راه، تا با شناخت جهان بینی توحیدی درک و تجلی توحید در حرکت انسان، تاریخ طبیعت، حیات و انسان بتوانیم دقیق تر ببیندیشیم و عمل کنیم. راهنمای اصلی مادر این کوشش سرچشمه قیاض و پرفروغ معارف قرآن و سخنان و رفتار پیامبر (ص) و عترت پاک اوست از خداوند بزرگ در این راه یاری میطلبیم و امیدواریم در این کوشش فیض عظیم هدایتش نصیبمان بگرداند.

و ماتوفیقی الاالله علی توکلت و الیه انیب

ادامه دارد

## به مالک اشتر (۱)

همانند معاویه، از اجرای دستور العمل های مولا وحشت دارند و با تکرار همان وقایع، آنچه را در زمان کوتاه حکومت امام علی (ع) بر سر مستضعفین آوردند (از جنگ داخلی و خارجی، ترور و...) اکنون میخواهند بر سر علویون زمانه بیاورند، غافل از آنکه اراده خداوند بر وراثت مستضعفین قرار گرفته و مستکبرین و عوامل پیدا و پنهان آنان، دیر یا زود به زباله دانی تاریخ سپرده خواهند شد. امین.

باری، قبل از پرداختن به دستورالعمل مولا به مالک اشتر، خوب است مالک اشتر را از زبان مولا بشناسیم و بدانیم که این دستور العمل نسبت به چه کسی صادر شده است. (نامه شماره... نهج البلاغه). از نامه انحضرت به اهل مصر وقتیکه مالک اشتر (رحمة الله علیه) را بعنوان والی مصر، به آن دیار گسیل داشت:

«از بنده خدا علی امیرالمومنین به مردمی که

بخاطر خدا غضبناک شدند» انوقتیکه در زمین نافرمانی خداوند رواج یافت و حق از میان رفت و ظلم و جور بر نیک و بد سایه افکنده و هیچ معرفتی نبود که بدان اتکاء شود و هیچ منکری نبود که از آن پرهیز شود. (شاید اشاره به اواخر حکومت عثمان و تسلط زورمندان و زرمندان و امثال عبدالرحمن عوف ها بر جامعه اسلامی، باشد که در آن زمان اهل مصر نقش اصلی را در شورش داشته و در پی آن شورش، عثمان بقتل رسیده و مردم حضرت علی (ع) را بعنوان خلیفه برگزیدند).

اما بعد، بسوی شما گسیل داشتم بنده ای از بندگان خدا را که در ایام ترس و وحشت، خوابی نداره، و در ساعات سختی و زمانه مشکلات، ترس بدل راه نمیدهد، بر بدکاران و ستمگران از شعله های آتش شدیدتر است و او مالک بن حارث از قبیله مذحج است. (این صفاتی است که مولا علی مظهر صلابت و قدرت برای مالک اشتر نقل نموده و او را همچون شعله های بی باک آتش بر جان بدکاران و ستمگران و غارتگران می داند).

«پس او امر او را بشنوید و اطاعت کنید، البته او امری که مطابق حق باشد،» «زیرا» او و شمشیری از شمشیرهای خداوند است که همچنان بران میباشد. اگر به شما امر کرد که کوچ کنید، شما کوچ (هجرت) ننمایید و اگر امر کرد که بایستید، شما

بایستید زیرا او پیش و پس نیروود و هیچ کاری انجام نمیدهد مگر به دستور من (به راستی اگر فرماندهای بسیار هوشیار و پر صلابت و رهبری بسیار آگاه و سازش ناپذیر باشد، ولی کسی از او پیروی و اطاعت ننماید، چه اثر عملی میتواند داشته باشد؟ بهمین جهت، مولا علی از اهل مصر میخواهد که تمامی اوامر مالک اشتر را اطاعت نموده و از او فرمانبری داشته باشند)

«همانا من شما را بر خود ترجیح داده و مالک را بسوی شما فرستادم» (یعنی در صورتیکه خودم در مرکز به او احتیاج شدید دارم ولی باز او را به سوی شما فرستادم) برای اینکه او برای شما نصیحت گرو و برای شما بسیار سخت و سازش ناپذیر است. در این نامه هم حضرت مالک اشتر را معرفی میکند بعنوان «شمشیر همیشه بران، شعله خشمگین آتش بجان دشمنان، و سر سلسله نصیحت گران و سازش ناپذیران» و هم مردم مصر از زمان را معرفی میکند. «مردمی که در دوران سیاهی و تاریکی ظلم و ستم بخاطر خداوند غضبناک شدند و اکنون چنین امامی دستورالعمل حکومتی به چنان استناداری برای همچون مردمی صادر میفرماید، ما از شماره آینده به این فرمان خواهیم پرداخت باشد که با نصب العین فرار دادن آن در راه زندگیمان به فلاح و رستگاری برسیم. «انشاء الله» ادامه دارد...

## جبهه ها از هجوم و...

در زمین کساندوهای مزدور، تحت تعلیم و تربیتشان.

زخم بسیار است اگر شماره کیم از عاشورای سوسنگرد و محاصره آن در محرم و قتل عام مردم و تن مجروحان که به امید مداوا در عبور از کرخه مورد هجوم قرار گرفتند و غرق شدند و هم از کربلای هویزه و قتل و غارت پاسداران جان برکف و هم دزفول مقاوم و پایدار و اهواز سربلند و آبادان ایستاده و هم غرب غالب و غیرتند!

## مرا سوز زخم تازه و دیرینه ای است

لکن مرا سوز زخم تازه و دیرینه ای است.

نخلستان های خرمای خرمشهر، فصل بارداری خود را، مغرور و سربلند، ایستاده اند و بر نیازهای شرعی شهر، ناز میکنند، در چشم باغ داران زیباتر از عروس نخل به خانه نیست، چقدر قدوبالایشان را چشم دوخته اند تا امروز که وجودشان شکل گرفته و به بروبرگ نشسته اند. کارکنان مدرسه ها با آغاز مهرماه صدای زنگ مدرسه را زمزمه میکردند و به انتظار لبخند نوازان در نخستین روزهای درس، در و دیوار کلاس را عاشقانه می شنیدند و گودوغبار سکوت را از درز و جرز پنجره ها با آهنگ مهر می زدودند، بازار در ازدحام شور و شوق و هلهله مردم- گنج و منگ بود و بچه ها دسته دسته بدنبال اولیای خویش در تدارک کیف و کفش و دفتر و مداد و مدرسه بودند و آشنایی و دوستی با بچه های جدید را با تازانه میخواندند.

دور از هیاهوی کابوس جنگ که روز گذشته به صورت هجومی گسترده در زمین و هوا آغاز شده بود، فردا قرعه به نام «خرمشهر بود، سیزه هارنگ

سرخ می پوشیدند و خرمی از ایشخورخون میخورد تا اینکه خرمشهر، جایش را به خونین شهر بدهد.

تانگ های «کوکبی» و آدمک های «پیچ و مهره ای» عراق، بسوی عروس شهرهای خوزستان «خرمشهر» رکاب میزدند، تا اینکه طقس تکرار شد و این جنازه های مقصد گم کرده و بی هدف با اشیاء الرجالشان در بیابان ها بین شلمچه و خرمشهر به گل نشستند و باز خدا حجت خویش تمام کرد و به گوششان خواند که: «فاعتبروا یا اولی الابصار» ولحظه ای دیگر مردم با جوب و سنگ و تیشه های مواد آتش زا بر این نجاست های به گل نشسته حمله بردند و آنچه بود در شعاع آتش خشم شان سوخت.

دشمن که خیال خام جداسازی خاک سرخ خوزستان را در سر داشت، بازگشت و بانجدید قوا از چند سو به مردم بی دفاع، وحشیانه بورش آورد و چون گرگ زخمی چنگال خویش را بر جسم و جان مجروح برادران و خواهران خوزستانی مافرو برد.

اعیان و اشراف شهر در همان صحنه نخست نمایش، عرصه پیکار و از مومن الهی را ترک کردند و به کجج دنجی به وحشت خریدند. و آنها بجای مانده بودند همانهایی بودند که امام بزرگ فرمود «یک مویشان به همه کاخ نشینان ارزش دارد».

کفار نیمی از شهر را به تصرف خود آوردند، نخلستان ها همچنان ایستادند و شکسته سوختند و سربپای اجنبی نساقتند.

مردم از سنگر خانه و درپس کوچه های گلین خویش چندین شبانه روز جنگیدند، سینه شان آماج گلوله های توپ و تانگ دشمن بود در هر لحظه سربپای فرو می ریخت و گور دستجمعی مردان و زنان و کودکانی غیور می شد که مرگ را به سایه سیاه ستمگران بر جان و مال خویش ترجیح دادند، آنها از نخل ها اموخته بودند که ایستاده بمانند و چون خزه ها خفت زهم و خس و خاشاک، بدست پادشاه موسی به این سوک کشیده نشوند.

بچه ها همه درس انسال را در یکماه اول آنچنان اموخند که خود مواد درس همیشه تاریخ شدند.

## حماسه های...

مهندس طرحی باید یاد کرد که هماهنگ کننده این برنامه ها و تنظیم کننده برنامه مهندسی جبهه های جنوب بود.

بطور کلی رزمندگان جهاد در این رابطه با ایمانی کامل و در شرائطی دشوار بیاری برادران رزمنده خود شتافته و در خط مقدم جبهه به ایجاد سنگر و سد و دهها مورد کار دیگر میپردازند.

وی پیرامون مشکلات و کمبودها اظهار داشت. نبودن ماشین آلات سنگین و راننده آن و موارد دیگر از نیازهای ما بوده و در این رابطه مردم باید همکاری نموده و همانطور که تاکنون به جبهه ها کمکهای عظیمی را نموده اند در این رابطه نیز کمکهای بیشتری بنمایند.

## کلام جدید...

کرده اند. پس وقتی که ما جواب آنها را می دهیم میشود کلام جدید.

و این موضوع تبدیل انواع مسأله جدیدی است و طبعاً جواب جدیدی هم میخواهد.

در مورد علل پیدایش ادیان نیز یک سلسله مسائل تازه ای مطرح شده و منکران شبهاتی به اصالت دین وارد کرده اند که باید به شبهات آنها جواب داده شود.

پس نظر به اینکه در اثر تطور و دگرگونی که در اجتماع پیدا شده است، یک سلسله مسائل جدیدی مطرح گردیده است که یا در قدیم نبوده و یا به این شکل عنوان نشده است. پاسخ های مناسبی هم لازم دارد.

ادامه دارد